



نقد دیدگاه وهابیان در شرک‌انگاری برخی از مصادیق ذبح

مهدی زندی *

چکیده

وهابیت درباره ذبح نگاه خاصی دارد، این نگاه همواره منازعات تلخ و مصیبت‌باری، همچون تکفیر و کشتار مسلمانان بی‌گناه را موجب شده است. وهابی‌ها می‌گویند مجزّد ذبح، عبادت است از این‌رو اگر کسی در استقبال از کاروان شادی و عروسی، رویاروی صالحان زنده یا درگذشته ذبح کند، مخلوق را عبادت کرده و به شرک در عبادت افتاده است. البته عالمان مسلمان، اعم از اهل سنت و شیعه، این نگاه وهابیان را مردود خوانده و معتقدند که مجزّد ذبح، عبادت نیست؛ ذبح تنها جایی عبادت است که ذابح با اعتقاد به ربوبیت مذبح‌له این عمل را انجام دهد، از این‌رو اگر ذابح عمل ذبح را بدون اعتقاد به ربوبیت مذبح‌له انجام دهد عبادتی رخ نداده است بدین ترتیب اگر ذابح، عمل ذبح را مقابل کاروان شادی و عروسی، یا رویاروی دسته‌جات عزاداری، نزد صالحان زنده یا قبور آنان انجام دهد و به ربوبیت آنان معتقد نباشد، مخلوق را عبادت نکرده و مشرک نیست. در نتیجه نگاه خاص وهابیان به تعریف و تفسیر خاص آنان از مفهوم عبادت، بی‌توجهی به عنصر نیت و اعتقاد در تحقق عبادت و همچنین عبادت‌انگاری مجرد ذبح بازمی‌گردد. در این مقاله دیدگاه وهابیان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ذبح، قربانی، اولیای الهی، صدقه، وهابیت.

مقدمه

آیین قربانی کردن، سابقه‌ای هم‌زاد با تاریخ بشر دارد، در طول تاریخ این آیین، همچون بسیاری از آداب و مناسک، از مسیر حقیقی‌اش منحرف شده و به تغییر و تحولات منفی و مردودی مبتلا گردید.^۱ پیامبران همواره تلاش کردند این آیین را از صورت و باطن خرافی و مشرکانه پیراسته و بر مدار عبادت خداوند یگانه بازگردانند.

روش و سنت قربانی بر پایه توحید، از زمان حضرت آدم علیه السلام تشریع شد و در شریعت‌های توحیدی سایر انبیاء تداوم یافت. اقدام بی‌نظیر حضرت ابراهیم علیه السلام، در رضایت دادن به ذبح فرزند عزیزشان، حضرت اسماعیل علیه السلام و سربلندی وی در این امتحان سخت الهی، موجب شد که این سنت، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای را در میان شریعت‌های توحیدی انبیاء به دست آورد.^۲ در شریعت رسول خاتم حضرت محمد نیز قربانی کردن برای خداوند یگانه از شعائر و سنت‌های اصیل است. خداوند متعال در تبیین فلسفه و جایگاه این عمل فرموده است: «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ»؛^۳ «ظاهر عمل قربانی، یعنی گوشت و خون قربانی به خداوند نمی‌رسد؛ بلکه باطن آن، یعنی تقوای شما به خداوند می‌رسد.»

امروزه اما مکتب افراطی و هابیت نزاعی علمی-فقهی را بی‌جهت رقم زده است؛ نزاعی که بسیاری از مسلمانان را در ورطه تکفیر برادران مسلمان خود قرار می‌دهد. این مقاله در تلاش است با تبیین دقیق این موضوع و بررسی دیدگاه و دلایل وهابیت، دیدگاه و دلایل عموم مسلمانان و مقایسه آنها با یکدیگر، واقعیت را به‌خوبی روشن سازد.

۱. در زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این سنت الهی به آیینی خرافی و آمیخته با شرک تبدیل شده بود. اجرای این آیین ابراهیمی بین قریش و دیگران، در عهد جاهلیت این‌گونه بود که پس از ذبح یا نحر، کعبه را به خون قربانی آلوده می‌کردند و قسمتی از گوشت آن را بر کعبه می‌آویختند تا خداوند آن را قبول کند. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۷۵).

۲. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «فَقَدْ صَدَقَتِ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَقَدْ يَنَالُهُ بِذِئْبِ عَظِيمٍ»؛ «رؤیای خود را حقیقت بخشیدی و ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. به‌راستی این همان آزمایش آشکار بود و او را در ازای قربانی بزرگی، باز رهانیدیم.» (سوره صافات، آیات ۱۰۵ تا ۱۰۷). برای اینکه عمل حضرت ابراهیم علیه السلام ناتمام باقی نماند، خداوند کوچ بزرگی فرستاد تا آن را قربانی کند و برای آیندگان -در مراسم حج و سرزمین منا- سنتی از خود به‌جا بگذارد.

۳. سوره حج، آیه ۳۷.

تعریف لغوی ذبح

ذبح در لغت به معنای بریدن حلق و گردن است و به حیوانی که به این روش قربانی شود، ذبیحه گفته می‌شود. ابن منظور در لسان العرب در تعریف ذبح می‌گوید: «قَطَعَ الْحُلُقُومَ مِنْ بَاطِنٍ»؛ «[ذبح یعنی] بریدن گلو به صورتی که داخل حلقوم بریده شود» و «واسم ما ذبح من الحيوانات؛ الذبح أو الذبيحة أى المذبوح»؛ «به حیواناتی که قربانی می‌شوند، ذبح یا ذبیحه یا مذبوح گفته می‌شود».^۱

تعریف اصطلاحی ذبح

اهل سنت برای ذبح، معانی مختلفی ذکر کرده‌اند که در مجموع بر همان معنای مشهور امامیه منطبق است. شافعی‌ها ذبح را این‌گونه تعریف می‌کنند: «قطع الحلقوم و المريء»؛ «بریدن حلق و مری». حنبلی‌ها و مالکی‌ها، همانند شیعیان، شرط بریدن دو رگ را معتبر می‌دانند و ابوحنیفه نیز از بریدن حلقوم، مری و دو رگ (ودجان)، به عنوان ذبح شرعی یاد می‌کند.^۲ علت و فلسفه نام‌گذاری ذبح در زبان فارسی به «قربانی کردن» و در زبان عربی به «قربان»^۳، این است که ذبح، در ذهن و ضمیر ما وسیله‌ای برای قرب به خداوند تصور شده است.

تقریر محل نزاع

بزرگان وهابیت و دیگر مسلمانان، تعریف یکسانی را از ذبح ارائه می‌دهند. ابن عثیمین^۴ می‌گوید: «الذبح إزهاق الروح بإراقة الدم على وجه مخصوص»؛^۵ «قربانی کردن به معنای از بین بردن روح به وسیله ریختن خون به شکل مخصوص است.» او همچنین برای قربانی کردن اقسامی را بیان کرده است. ابن عثیمین در بیان اقسام ذبح می‌گوید:

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ج ۱۱، ص ۴۴ و ۴۵؛ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۳. «قربان: کل ما يتقرب به الى الله عزوجل من ذبيحة و غيرها.» (معلوف، لويس، المنجد، ذیل ماده قرب).

۴. وی یکی از بزرگان شاخص وهابیت در دهه‌های معاصر است و از خود، آثار متعددی را به جا گذاشته است. در بیشتر امور، اگر وهابی‌ان در عبارت‌های این تیمیه موضوعی را پیدا نکنند، کلام ابن عثیمین، دلیل و شاهد محکمی برای آنان خواهد بود.

۵. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، ج ۷، ص ۲۸.

۱. قسمی از ذبح، به منظور بزرگداشت، ابراز تواضع و تقرب به فردی است که برای او قربانی می‌کنیم. این نوع عمل، عبادی است و فقط و فقط باید برای خداوند انجام می‌شود: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ»^۱

۲. قسمی از ذبح، با هدف اکرام میهمان، ولیمه عروس یا این قبیل مراسم‌ها انجام می‌شود که اموری مستحب هستند؛ مانند اینکه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه»^۲ «هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمانش را تکریم کند.» یا به عبدالرحمن بن عوف هنگامی که ازدواج کرد، بیان کرد: «أولم ولو بشاة»^۳ «ولیمه بده حتی با یک گوسفند.»

۳. قسمی از ذبح با هدف کسب درآمد یا استفاده از گوشت آن انجام می‌شود. این قسم از قربانی کردن مباح است؛ چراکه به گفته خداوند: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِيَنَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ»^۴

اما این همه ماجرا نیست. وهابیان ذیل مباحث مرتبط با ذبح، در چند مرحله از عموم مسلمانان جدا می‌شوند و بلکه مسلمانان را در ذبح برای انبیای الهی ﷺ نیز مشرک می‌دانند. آل‌الشیخ،^۵ در تحلیلی متناقض به بیان ساختار ذبح پرداخته است و عمل مسلمانان را با همین مبنا، مشرکانه می‌داند. او می‌گوید:

دو امر مهم در ذبح وجود دارد و این یک نکته اصلی درباره ذبح است: ۱. قربانی کردن به اسم کسی که برای وی قربانی می‌کنند. (اصطلاحاً تسمیه؛ همان صورت فقهی و مخصوصی که باید در هنگام ذبح، نام خداوند برده شود). ۲. نیت و قصدی که برای آن، قربانی می‌کنند.^۶

۱. سورة انعام، آیه ۱۶۲.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع المسند الصحيح بخاری، ج ۸، ص ۱۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۳.

۴. سورة يس، آیات ۷۱ و ۷۲.

۵. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، ج ۷، ص ۲۸.

۶. خاندان آل‌الشیخ فرزندان محمد بن عبدالوهاب هستند که در طول دو قرن، همگی از مفتیان عربستان بوده‌اند و به‌نوعی این سمت را به ارث برده‌اند. در طول این مدت همه این افراد به ترویج افکار جد خود پرداخته‌اند. عبدالعزیز بن محمد آل‌الشیخ، از نوادگان محمد بن عبدالوهاب است.

۷. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، التمهید لشرح کتاب التوحید، ص ۱۳۹.

وی با ترکیب این دو موضوع، چهار حالت را برای «ذبح» تصور می‌کند:

۱. با نام خدا و برای خدا انجام شود که این امر، توحید حقیقی است.
۲. با نام خدا و برای غیرخدا انجام شود که این امر، شرک است.
۳. با نام غیرخدا و برای خدا انجام شود که این امر، شرک در ربوبیت است.
۴. با نام غیرخدا و برای غیرخدا انجام شود که این امر، شرک در استعانت و شرک در عبادت است.^۱

کاملاً روشن است که در طول تاریخ، همه فقها فقط حالت اول را برای قربانی کردن ذکر نموده‌اند و حالت سوم حرام و حالت چهارم نیز در بین همه مسلمانان شرک است. در نتیجه در این نوشتار از حالت دوم از این چهار حالت بحث می‌شود که به‌وضوح گزاره‌ای دارای تناقض است. سایر حالت‌ها به مباحث دیگری مانند توحید ربوبی و توحید الوهی و توحید عبودی مربوط می‌شوند که از بحث ما خارج هستند.

بن‌باز برای تبیین حالت دوم و بیان حکم آن می‌گویید:

ذبح برای غیرخدا، شرک اکبر و منکری عظیم است؛ حتی اگر برای پیامبر خداوند ﷺ یا ولی خدا انجام شود. هرکس ذبح را برای اصحاب قبور، اولیای الهی، انبیای الهی یا غیره انجام دهد، مشرک است.^۲

با توجه به این گفته‌ها از عبارت‌های وهابیت فهمیده می‌شود:

۱. قربانی کردن با هدف‌های مختلفی انجام می‌شود و در برخی موارد، صورت شرعی کافی است و به قصد قربت نیاز ندارد؛ مانند اطعام و ولیمه دادن.
۲. وهابیان معتقدند که قربانی کردن برای خداوند، تنها با رعایت شرایط شرعی بیان‌شده در فقه انجام نمی‌شود؛ بلکه برای کامل بودن، باید نیت و قصد قربت را نیز همراه داشته باشد.

مرحله بعدی انحراف وهابیان این است که آنان به خود اجازه می‌دهند با ظاهربینی و بدون تعمق در نیت و قصد مسلمانان، عمل آنان را مشرکانه قلمداد کنند. آنان ذبح برای اولیای الهی را به‌عنوان عبادت اولیا تلقی می‌کنند؛ درحالی‌که این عمل، به‌هیچ‌وجه به‌نیت عبادت اولیای

۱. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، التمهید لشرح کتاب التوحید، ص ۱۳۹.

۲. بن‌باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی بن‌باز، ج ۶، ص ۳۳۴.

الهی انجام نمی‌شود و فقط برای اهدای ثواب آن عمل، به اولیای الهی است. ابن عثیمین ذبحی را که برای اولیای الهی انجام می‌شود، برای غیر خدا تصور می‌کند و در تبیین جوانب فقهی آن، مانند حلال بودن یا حرام بودن گوشت قربانی و نجس بودن یا پاک بودن آن، به استفتای زیر پاسخ داده است:

پرسش: در مصر، افرادی برای اولیای الهی قربانی می‌کنند یا به‌عنوان مثال پس از خریداری خودرو، قربانی می‌کنند تا برای آن اتفاقی نیفتد یا اینکه برای سد و مخزن آب قربانی می‌کنند تا کسی در آن نیفتد و از بین نرود. حکم این اعمال چیست؟^۱

او در پاسخ به این پرسش، بدون سؤال از اینکه قربانی کردن برای اولیا چه معنایی دارد، با استناد به ظاهر عبارت «برای اولیا»، عمل مسلمانان را سفیهانه می‌داند:

ذبح برای اولیای الهی شرک است و موجب خروج از دین می‌شود و موارد دیگر، مانند ذبح برای خانه، ماشین یا غیره، عملی سفیهانه است؛ چراکه در حفظ خانه و مخزن و غیره هیچ تأثیری ندارد و باید از این اعمال نامشروع، پرهیز کنند.^۲

با توجه به همه مباحثی که تاکنون بیان شد، تمامی شبهات و اشکالاتی که وهابیت مطرح می‌کند، در چند مسئله خلاصه می‌شود که عبارت‌اند از:

- آیا ذبح برای اولیای الهی و اهل قبور شرک است؟
- آیا برای اسلامی بودن ذبح، ذکر نام خداوند در هنگام ذبح کفایت می‌کند یا اینکه باید توجه ذبح‌کننده نیز به خداوند باشد؟
- اموات از عمل مسلمانان بهره‌ای نمی‌برند و بهتر است برای آنان، فقط دعا کنیم؟
- هر ذبحی که برای تعظیم غیر خدا انجام شود، شرک است؟
- گوشت حیوانی که برای اولیا قربانی می‌شود، حرام است؟

وهابیان، نه تنها شیعیان، بلکه همه مسلمانان را در موضوع ذبح برای اولیا یا اموات، کافر می‌دانند. تصریح بن‌باز به این تقابل خواندنی است:

بسیاری از مردم، اصحاب قبور را عبادت می‌کنند و برای آن‌ها قربانی می‌کنند؛ [...]

۱. ابن عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی نور علی الدرب، ج ۴، ص ۲.

۲. همان.

مانند کسانی که این کارها را در کنار قبور امام حسین (علیه السلام)، بدوی، عبدالقادر گیلانی و ابن عربی انجام می‌دهند، که همه این‌ها از مصادیق شرک اکبر هستند.^۱ بن‌باز با این بیان، تمام شیعیان و اهل سنت -چه صوفی و چه غیرصوفی- را کافر و مشرک می‌داند.

اشکالات وارده به تلقی وهابیت

دیدگاه وهابیت، اشکالاتی دارد که ذیل مباحث پیش رو پاسخ داده می‌شود.

۱. وهابیان و توهم تشابه میان ذبح مسلمانان و ذبح مشرکان

اولین نکته‌ای که در پاسخ به شبهات وهابیت بیان می‌شود این است که اگر قرار باشد ما هر کسی را به مجرد کوچک‌ترین شباهت به مشرکان در عمل، از دایره مسلمانان خارج و از مشرکان بدانیم، باید خود وهابی‌ها را مشرک دانست. چرا که به عنوان مثال در ایام حج، همان‌گونه که مشرکان به دور بت‌های داخل کعبه طواف می‌کردند، امروزه نیز مسلمانان با شباهتی بسیار نزدیک به رفتار مشرکان، به دور کعبه می‌چرخند و سنگی با نام حجرالأسود را می‌بوسند. اگر آنان در روز عید قربان و در منا قربانی می‌کردند و ما نیز امروز این کار را انجام می‌دهیم، باید همگی مشرک باشیم. پس صرف شباهت در جنبه‌ای از اعمال، نمی‌تواند تعمیم حکم به سایر جنبه‌ها را موجب شود.

در ذبح کردن حیوان نیز همین خلط تشابه به وجود آمده است. در حالی که ذبح در صورتی عبادت است که به قصد تقرب به موجودی که اعتقاد به ربوبیتش دارد، انجام شود و چون مسلمانان الله متعال را ربّ یکتا می‌دانند، اگر برای تقرب جستن به او، حیوانی را ذبح کنند، برای الله عبادت انجام داده‌اند و مشرکان نیز چون به رب‌هایی غیر از الله معتقدند، ذبح کردن آنان برای آن رب‌ها عبادت آن رب‌های باطل محسوب می‌شود؛ اما اگر کسی برای یک مخلوق که او را رب نمی‌داند، بلکه سبب می‌داند، حیوانی را ذبح کند، چون آن مخلوق را رب ندانسته است، ذبح کردن او برای آن مخلوق نیز عبادت آن مخلوق نبوده است، همانند کسی که میهمانی برای او می‌آید و برای پذیرایی و غذا دادن

۱. بن‌باز، عبدالله، تحفة الإخوان بأجوبة مهمة تتعلق بأركان الإسلام، ص ۱۵.

به خودش و میهمانش، حیوان یا پرنده‌ای را ذبح می‌کند.

چنانکه نووی به نقل از رافعی می‌گوید:

رافعی (متوفی ۶۲۳ق) گفته است: «بدان که ذبح کردن برای معبود و به نام او، به منزله سجود می‌باشد و هریک از این دو عمل، نوعی از انواع تعظیم و عبادت هستند که مختص به الله متعال اند؛ همان خدایی که تنها او مستحق عبادت است. پس هرکس برای غیر خداوند تعالی، مانند جاندار یا جماد یا بت، بر وجه تعظیم و عبادت، ذبح کند، پس ذبیحه‌اش حلال نیست و فعل او کفر است؛ درست به همانند کسی که برای غیرالله تعالی سجود از نوع سجده عبادت می‌کند و نیز اگر برای خدا و برای غیر خدا (مشترکاً) بر وجه عبادت ذبح کند (فعل او کفر خواهد بود). و اما اگر ذبح برای غیر خداوند بر وجه عبادت نباشد، مثلاً به‌خاطر تعظیم کعبه از این جهت که کعبه خانه خداست، برای کعبه قربانی کند یا ذبح کند، یا برای پیامبر ﷺ به این خاطر که رسول خداست ذبح کند، پس جایز نیست که حلال بودن ذبیحه‌اش منع گردد و سخن کسی که می‌گوید: «أَهْدَيْتُ لِلْحَرَمِ، أَوْ لِلْكَعْبَةِ»؛ «برای حرم یا کعبه قربانی را هدیه کردم» به همین معنا برمی‌گردد و ذبح کردن موقع استقبال از آمدن سلطان نیز از این قبیل است، چون خوشحال شدن به‌خاطر آمدن اوست و به منزله ذبح عقیقه موقع به دنیا آمدن فرزند است و امثال چنین ذبح کردن‌هایی موجب کفر نمی‌شود و همچنین سجده کردن به‌قصد تذلل و خضوع (نه به‌قصد عبادت) با اینکه ممنوع است اما موجب کفر نمی‌شود. بنابراین اگر ذابح (هنگام ذبح کردن) گفت: «بِاسْمِ اللَّهِ وَاسْمِ مُحَمَّدٍ»؛ «به نام خدا و نام محمد» و منظورش این باشد که با نام خدا ذبحش می‌کنم و با نام محمد متبرکزش می‌کنم، بایستی در چنین حالتی این ذبیحه حرام نشود.^۱....

استاد جعفر سبحانی در این باره می‌فرماید:

اگر قرار باشد به دلیل شباهت به مشرکان، عمل مسلمانان را شرک بدانیم، ابن تیمیه و وهابیت و حامیان آنان، از بزرگ‌ترین مشرکان خواهند بود؛ چراکه بسیاری از مناسک حج و واجبات آن، در ظاهر خود، شباهت بسیاری به عمل عبادت‌کنندگان بت‌ها دارد.^۲

۱. «قال الرافعي واعلم أن الذبح للمعبود وباسمه نازل منزلة السجود وكل واحد منهما من أنواع التعظيم والعبادة المخصوصة بالله تعالى الذي هو المستحق للعبادة فمن ذبح لغيره من حيوان أو جماد كالصنم على وجه التعظيم والعبادة لم تحل ذبيحته وكان فعله كفراً كمن يسجد لغير الله تعالى سجدة عبادة فكذا لو ذبح له أو لغيره على هذا الوجه (فأما)» (نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین وعمدة المفتین، ج ۳، ص ۲۰۵).

۲. سبحانی، جعفر، بحوث في الملل والنحل، ج ۴، ص ۲۹۴.

۲. اشتباه وهابیت در معنای مختلف حرف «لام»

یکی از انحرافات و توهّمات بسیار واضح وهابیت دربارهٔ عمل مسلمانان در قربانی کردن برای اولیا و صالحان و درگذشتگان، اشتباه آنان در مفهوم لام در عبارت‌هایی مثل «ذبح للنّبی ﷺ» و «ذبحت للحسین ﷺ» ناشی می‌شود.

توضیح اینکه ما گاهی می‌گوییم این ذبح برای خداوند و گاهی نیز می‌گوییم این ذبح برای پیامبر بزرگ اسلام ﷺ برای امامان معصوم ﷺ، برای والدین یا برای زائران و عزاداران امام حسین ﷺ است، این دو تعبیر شباهتی ظاهری دارند؛ ولی بین آن‌ها تفاوت بسیاری وجود دارد. تعبیر «الذبح لله» و «الذبح للامام أو للوالدین» شباهت ظاهری دارند؛ اما در واقع معنای این دو بسیار متفاوت است؛ چراکه در این دو جمله، نیت متفاوت است. به تعبیر ادبی، لام در تعبیر اول به معنای «برای» و در معنای غایت و در تعبیر دوم به معنای «از طرف و جهت» و در معنای جهت انتفاع است. برای روشن شدن این تفاوت می‌توان به مثال‌هایی که در ادامه ذکر می‌کنیم، توجه کرد. هنگامی که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱، خداوند قربانی را برای تقدیم ذبیحه به خداوند تشریع کرده است. لام در اینجا افادهٔ عبادت می‌کند. خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ...﴾^۲، لام در این آیه که بر واژه فقره وارد شده است، جهت مصرف را بیان می‌کند. پس تعبیر «برای اولیای الهی»، نه به معنای انجام عبادت برای تقرب به صالحان، بلکه به معنای اهدای ثواب این ذبح است که به پیامبر اکرم ﷺ، اولیای الهی یا والدین تقدیم می‌شود.

عزّامی شافعی پس از بیان ماجرای سعد،^۳ این نکته را توضیح می‌دهد:

حرف لام در «هذه لأُم سعد» منظور تبیین جهتی است که صدقه برای آن ادا می‌شود و نه معبودی که به وسیلهٔ قربانی به او تقریب می‌جوئیم و در زبان همهٔ مسلمانان نیز همین‌گونه است؛ مسلمانان سعدی مسلک هستند نه وثنی مسلک،

۱. سورة انعام، آیه ۱۶۲.

۲. سورة توبه، آیه ۶۰.

۳. در روایتی که در سنن ابی‌داود آمده است، صحابی جلیل‌القدری، همچون سعد، با اجازه‌گرفتن از پیامبر اکرم ﷺ کار خیری را به نیت مادر مرحومش انجام می‌دهد و آن را به روح مادرش هدیه می‌کند و در نهایت می‌گوید: «هذه لأُم سعد».

مانند حرف لام در آیه‌ای که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ﴾. پس وقتی می‌گوید برای رسول الله یا ولی‌ای از اولیای الهی ذبح کردم، منظورش این است که از طرف وی صدقه می‌دهم.^۱

عجیب است که با توجه به کلام وهابیان و استدلال آنان، باید سعد بن عبادہ را که از صحابه پیامبر اکرم ﷺ و سلف صالح در نزد وهابیت است، در جایی که پس از وقف آب چاه برای مردم، می‌گوید: «هذه لأُم سعد»؛ «این برای مادر سعد»، مشرک بدانند. اگر بنا بر تعبیر و برداشت وهابیان، در این جا نیز لام را برای غیر خدا معنا کنیم و عمل را به غیر خدا نسبت دهیم، پس این امر باعث می‌شود که سعد بن عبادہ را از مشرکان بدانیم و حاشا که صحابه جلیل‌القدر پیامبر اکرم ﷺ در زمان پیامبر اکرم ﷺ در ورطه شرک افتاده باشند. ابن عثیمین در تحلیل کلام مسلمانی که می‌گوید «ذبحت للنبی ﷺ یا لأُمّی و...»، برای لام دو احتمال را مطرح می‌کند: «قوله: لغير الله، الالام للتعليل أو للقصد، أي قاصداً بذبحه غير الله».^۲ همان‌طور که مشاهده می‌شود، ابن عثیمین برای معنای لام، دو احتمال را مطرح کرده است؛ به‌عنوان مثال در جایی که قربانی‌کننده می‌گوید: «للحسين ﷺ یا لأُمّی»؛ «برای امام حسین ﷺ یا برای مادرم»، دو احتمال وجود دارد:

۱. اینکه دلیل قربانی کردن، امام حسین ﷺ باشد که این به‌معنای تقرب به وی نیست؛ بلکه لام برای تعلیل و روشن شدن هدف از این عمل عبادی است که همانا هدف، اهدای ثواب به امام حسین ﷺ است.
۲. اینکه قصد قربانی‌کننده، شخص امام حسین ﷺ باشد که این به‌معنای انجام عمل برای امام ﷺ و تقرب به اوست.

۳. تناقض‌گویی وهابیان در بیان حکم برخی از مصادیق ذبح

نمونه‌ای از اشکالات وهابیت، تناقض‌گویی بزرگان وهابیت در مسئله‌ای واحد است. بن‌باز درباره ذبح برای سلامتی دیگران بیان می‌دارد که باخبر شده است که سلطان قابوس از بیمارستان مرخص شده است و مردم به دلیل شادمانی و برای سلامتی وی، قربانی

۱. قضای عزامی، سلامة، فرقان القرآن بین صفات الخالق وصفات الأكوان، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشيخ محمد بن صالح العثیمین، ج ۹، ص ۲۰۶.

کرده‌اند. او برای مقابله با شرک، به سرعت بیان‌های صادر می‌کند و این عمل را مشرکانه و مردم را خارج از دین می‌خواند و به مردم برای تکرار این عمل، این گونه تذکر می‌دهد:

با مطالعه روزنامه ریاض باخبر شدم که پس از سلامتی سلطان قابوس، مردم در شادی سلامتی او، برایش قربانی کرده‌اند. به نظر آمد که حکم این عمل را بیان کنم و [...] ذبح چون عبادت است، فقط باید برای خداوند انجام شود و ذبح برای سلامتی سلطان و حاکم، ذبح برای غیر خداست و موجب شرک به خداوند است.^۱

درحالی که خود ابن عثیمین این کلام را نقض می‌کند و در جایی می‌گوید:

فلو قدم السلطان إلى بلد، ... ذبحنا له إكراما وضيافة، و طبخت و أكلت؛ فهذا من باب الإكرام، و ليس بشرک؛ اگر سلطان به شهری تشریف‌فرما شد و برای احترام به او، ذبحی صورت گرفت، شرک نیست؛ زیرا از باب اکرام و بزرگداشت و پذیرایی و خوردن است.^۲

این دقیقاً همان نکته‌ای است که آل‌الشیخ از کلام ابن تیمیه فهمیده است. وی می‌گوید:

قال شيخ الإسلام ابن تيمية... في الصورة الثانية أن يذبح لسلطان ونحوه، فبعض العلماء لم يطلق القول عليها: بأنها شرك وإنما قال: تحرم؛ لأجل أنه قد لا يقصد بذلك تعظيم المذبح له كتعظيم الله؛ ابن تیمیه می‌گوید: برخی علما برای این حالت [ذبح برای بزرگان و سلاطین] قول به شرک را بیان نکرده و به حرمت اکتفا کرده‌اند؛ چراکه ممکن است ذبح‌کننده با این عمل قربانی قصد تقرب به کسی را که برایش قربانی کرده است، نداشته است.^۳

یکی از مشکلات مهم وهابیت، تناقض‌گویی بین بزرگان این فرقه است؛ در نتیجه نمی‌توان درباره دیدگاه آنان به اتفاق نظر رسید.

۱. «فقد اطلعت على ما نشرته صحيفة الرياض في عددها الصادر يوم الأربعاء ١٨/٠٤/١٤١٦ق، عما فعله بعض الناس، حينما خرج السلطان قابوس من المستشفى في صلاة من عقر بعض الأنعام فرحا بسلامته، وفقه الله لما فيه رضا. رأيت أن آيين للقراء حكم هذا الأمر، نصيحة لله ولعباده، وأداء لواجب الدعوة إلى الله ونشر أحكامه سبحانه بين الناس. فأقول: أن الذبح لله سبحانه قرينة عظيمة وعبادة تقرب إليه سبحانه فلا يجوز صرفها لغيره، فعقر الذبائح للملوك والسلاطين والعظماء والتقرب إليهم بذلك يعتبر من الذبح لغير الله، ويعتبر من الشرك بالله كما قال الله سبحانه». بيان صادر من مكتب سماحته تعليقاً على ما نشر في جريدة الرياض بتاريخ ١٨/٠٤/١٤١٦ق، حول عقر بعض الأنعام للملوك والأمراء.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين، ج ۹، ص ۲۰۶.

۳. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزيز، التمهيد لشرح كتاب التوحيد، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. وهابیت و عدم توجه به حقیقت ذبح

ابن جبرین، از شیوخ وهابی، می‌گوید:

کسانی که برای غیرخدا ذبح می‌کنند، درواقع قصد احترام و تقدیس آنان را دارند. این نوع از احترام و تعظیم درست نیست مگر برای خداوند و گوشت‌های قربانی آن نیز حرام‌اند؛ چون برای غیرخدا قربانی شده‌اند.^۱

وی به‌خوبی دیدگاه اصلی وهابیت در این زمینه را بیان کرده است و از برداشت وهابیان از ذبح برای اولیای الهی، پرده برداشته است. لازمه کلام وی این است که برداشت وهابیان، از نیت‌خوانی نشأت می‌گیرد. او می‌گوید هر کس برای اولیا ذبح می‌کند، در واقع برای احترام و بزرگداشت اولیا و تقرب به آنان این کار را انجام داده است؛ لذا عمل وی، عملی مشرکانه است.

اما خود ابن جبرین در جای دیگری می‌گوید: «نیت، حتی در امور عرفی نیز مؤثر است و یک فعل ممکن است با قصد، حلال یا حرام باشد؛ مانند ذبح که با نیت شخص، حلیت یا حرمت پیدا می‌کند.»^۲

معلوم نیست چرا وهابیان در برخی موارد بر مشرک دانستن دیگران اصرار دارند؛ درحالی‌که در عمل مسلمانان، امکان تأویل و تأمل وجود دارد. اگر در موضوعی چند احتمال وجود داشته باشد، جایی برای استدلال بر اساس یک طرف احتمال وجود ندارد. همان جمله معروف طلاب علوم دینی که می‌گویند: «اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال». زمانی که وجوه مختلفی وجود دارد، باید همه وجوه بررسی شوند و نباید برای قضاوت دیگران، به وجهی خاص بسنده نمود؛ مگر اینکه بگوییم علمای وهابی قصد و تعمدی خاص در کافر دانستن دیگران دارند و به جنبه تأویل در عمل مسلمانان، که تمامی فرقه‌های اسلامی آن را پذیرفته‌اند، توجه نمی‌کنند.

۵. تعارض نظر جمهور مسلمانان با وهابیت در تعریف ذبح

در کتاب‌های معتبر اهل سنت و شیعیان می‌توان دلایل فراوانی یافت که دلالت بر جواز

۱. ابن جبرین، عبدالله، فتاوی فی التوحید، ج ۱، ص ۱۸.

۲. ابن جبرین، عبدالله، فتاوی فی التوحید، ج ۵، ص ۱۹۱؛ ج ۱۸، ص ۵۳۴.

اهدای ثواب به دیگران، درگذشتگان و اولیای الهی دارند. به دلایل عموم مسلمانان -از روایات و سیره مسلمانان- که گواه مهمی در صدق یک ادعا محسوب می‌شوند، نگاه کوتاهی می‌اندازیم.

در روایات شیعیان و اهل سنت موارد متعددی دیده می‌شود که بر استفاده و بهره‌بردن میت از صدقات و اعمال خیری دلالت دارد که برای آنان و به نیت آنان انجام می‌شود. البته استفاده انسان از اعمالی که در قید حیات انجام داده است، به مراتب بیشتر از صدقات جاریه‌ای است که بعد از فوت وی انجام می‌شود؛ ولی انکار بهره‌بردن اموات از آن‌ها، خلاف روایات است. به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم:

مسلمانان قرن هاست که ذبح برای غیر خدا به قصد اینکه آن غیر، شایستگی قربانی کردن برای وی و تقرب به او را دارد، کفر و شرک می‌دانند. در مقابل، اگر مقصود قربانی کننده این باشد که ذبح، عملی عبادی برای تقرب به خداوند است و طبیعتاً ثواب بسیاری دارد و ثواب آن را به ولی الهی یا به درگذشتگان هدیه کند، هیچ اشکالی ندارد. حتی می‌تواند مورد توجه شارع مقدس باشد. عزامی شافعی در فرقان القرآن نوشته است:

کسی که از چگونگی انجام این کارها توسط مسلمانان آگاه باشد، خواهد دانست که قصد آنان از قربانی کردن‌ها و نذر کردن‌ها برای درگذشتگان -از انبیا و اولیا-، چیزی جز صدقه دادن از ناحیه آنان نیست و ثواب این اعمال را به آنان هدیه می‌نمایند؛ زیرا دانسته‌اند که اهل سنت اجماعی دارند مبنی بر اینکه صدقه دادن زنده‌ها برای اموات مفید است و به آن‌ها خواهد رسید.^۱

خالدی نیز در تفسیر عبارت «ذبح لغير الله» می‌گوید:

یعنی ثواب این عمل برای آنان است و عمل قربانی کردن، برای خداوند انجام شده است؛ مانند اینکه می‌گویند: «ذبح کردم برای میت»؛ یعنی صدقه دادم برای میت، یا مانند اینکه بیان می‌کنند: «قربانی کردم برای میهمانان»، و منظورشان این است که سبب ذبح، احترام به میهمان است.^۲

۱. در روایتی که در سنن ابی‌داود آمده است، صحابی جلیل‌القدری، همچون سعد، با

۱. قضای عزامی، سلامة، فرقان القرآن بین صفات الخالق و صفات الاکوان، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. بغدادی، داود بن سلیمان، صلح الاخوان، ص ۱۰۹؛ نقل در: امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۵، ص ۱۸۲.

فرمود: "رسول خدا ﷺ وصیت کرده‌اند که همیشه از طرف او قربانی کنم."^۱

این روایات به‌صراحت روشن می‌سازند که قصد و نیت در این گونه امور، فقط خداوند است و مقصود گوینده از اینکه این قربانی برای پیامبر ﷺ باشد، ثواب آن است، نه اینکه به‌جهت تقرب به درگذشتگان باشد. بر این اساس سعد پس از حفر چاه گفت: «هذه لأُم سعد». در سایر اعمال خیر و نیکو نیز بخشش‌هایی که مسلمانان برای قبور انبیا و اولیا انجام می‌دهند یا قربانی کردن و تقسیم گوشت آن بین نیازمندان، تنها به‌قصد تقرب به خداوند متعال و رسیدن ثواب آن به صالحان است. پیامبر اکرم ﷺ نیز حیوانی را به‌دست خویش قربانی نمودند و فرمودند: «خدايا، این قربانی از طرف من و هرکسی از امتم که قربانی نکرده است».^۲ وقتی می‌توان برای دیگران قربانی کرد، فرقی ندارد که وی زنده باشد یا مرده.

دلیل دیگری نیز بر جواز قربانی کردن از طرف صالحان و درگذشتگان، سیره مسلمانان است. مسلمانان برای برخی قبور اولیا نذر می‌کردند و علما و فقهای سلف بر چنین کاری خرده نمی‌گرفتند و آن را شرک نمی‌دانستند. فهم و روش فقهای مسلمان در طول تاریخ اسلامی نیز گواه صدق ادعای شیعیان و اهل سنت است؛ برخلاف ابن تیمیه و پیروانش که مسلمانان را مشرک می‌خواندند. علما و بزرگان در طول تاریخ بر ذبح برای اولیای الهی به‌نیت اهدای ثواب، خرده نگرفته‌اند. به‌عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. خطیب بغدادی، نویسنده کتاب تاریخ بغداد، که تألیفات بسیاری نیز دارد، در کتاب خود به

سیره مسلمانان در نذر کردن و قربانی کردن برای یکی از نوادگان امام علی علیه السلام اشاره می‌کند:

قبری در بغداد وجود دارد که به یکی از نوادگان امام علی علیه السلام، به‌نام عبیدالله بن

محمد، تعلق دارد که مسلمانان به‌جهت نذر کردن برای آنجا و برآورده شدن

حاجت‌های خود، آن را قبرالندور نامیده‌اند.^۳

این حکایت تاریخی اگرچه به‌طور مستقیم درباره ذبح سخن نمی‌گوید ولی از جهاتی برای

۱. سجستانی، عبدالله بن سلیمان، سنن ابی‌داود، کتاب الضحایا، باب ۱، ص ۵۲۷، ح ۲۷۹۰؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۲۱.

۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۳۵.

ما مفید است: اولاً: زیارت، نذر، رفتن نزد قبور و طبیعتاً قربانی کردن برای اموات، امری مباح فرض شده است. ثانیاً: با توجه به اینکه خطیب بغدادی در سال ۴۶۳ ق از دنیا رفته است، فهمیده می‌شود که مسلمانان در قرن‌های ابتدایی اسلام، به این سنت عمل می‌کردند و هیچ‌کس نیز بر این سنت خرده نگرفته است.

۲. داوود بن سلیمان نقشبندی خالدی بغدادی برای تأیید نذر کردن و قربانی کردن برای اولیای الهی، نام تعدادی از علما را که در بین اهل سنت کلام نافذی دارند، مطرح می‌کند و می‌نویسد:

این سخن [صحت نذر و قربانی کردن برای اولیای الهی] از بزرگانی همچون اذری، زرکشی، ابن حجر هیثمی، رملی شافعی، قبانی بصری، رافعی، نووی، علاءالدین حنفی، خیرالدین رملی، محمد غزی و شیخ قاسم حنفی نقل شده است.^۱

نتیجه

هنگامی که فرد مسلمانی، قربانی می‌کند و می‌گوید قربانی می‌کنم برای امام ﷺ یا برای فلان ولی الهی یا برای والدینم، به این معناست که این عمل عبادی را برای خداوند متعال انجام می‌دهد و ثواب آن را به شخص موردنظر هدیه می‌کند. به عبارتی هر فردی که با عرف مسلمانان آشنا باشد، به‌خوبی می‌داند که هیچ مسلمانی برای غیرخدا قربانی نمی‌کند. در این بین، جریانی سطحی‌نگر به خود اجازه می‌دهد که فقط براساس ظاهر، به شرک بودن این عمل حکم دهد و دیگران را از مسیر توحید خارج دانسته و آن‌ها را کافر بنامد. اگرهم انسان نامتعارفی آن‌قدر به مسلمانان بدگمان باشد که چنین برداشتی از عمل مسلمانان داشته باشد، با مراجعه به قصد و نیت مخاطب می‌فهمد که وی نیت مشرکانه‌ای ندارد. پس رفتار وهابیت در خصوص بدگمانی مفرط به مسلمانان و عمل ذبح، رفتاری غیراسلامی، غیراخلاقی و حتی غیرانسانی است.

۱. «و حکى القول بذلك عن الأذرى، و الزركشى، و ابن حجر الهيتمى المکى، و الزملى الشافعى، و القبانى البصرى، و الرافعى، و النووى، و علاء الدين الحنفى، و خير الدين الرملى الحنفى، و الشیخ محمد الغزى، و الشیخ قاسم الحنفى.» (بغدادی، داود بن سلیمان، صلح الاخوان، ص ۱۰۲).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند احمد**، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن عثيمين، محمد بن صالح، **فتاوى نور على الدرب**، رياض: دارالهدى، بی تا.
۴. ابن عثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى و رسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين**، تحقيق: فهد بن ناصر بن إبراهيم السليمان، رياض: دارالوطن-دارالثريا، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت: دارالكتب العلمية، ۲۰۰۵م.
۶. اميني، عبدالحسين، **الغدير**، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۷۸ش.
۷. آل الشيخ، صالح بن عبدالعزيز، التمهيد لشرح كتاب التوحيد: دروس ألقاها صالح بن عبد العزيز بن محمد بن إبراهيم آل الشيخ، رياض: دارالتوحيد، ۱۴۲۴ق.
۸. بخاري، محمد بن اسماعيل، **الجامع المسند الصحيح بخاري**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بيروت: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۹. بغدادی، داود بن سليمان، **صلح الاخوان**، بمبئی: بی تا، ۱۹۱۶م.
۱۰. بن باز، عبدالعزيز بن عبد الله، **مجموع فتاوى بن باز**، رياض: دارالقاسم للنشر، ۱۴۲۰ق.
۱۱. بن باز، عبدالعزيز بن عبد الله، **تحفة الإخوان بأجوبة مهمة تتعلق بأركان الإسلام**، عربستان سعودی: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف، ۱۴۲۳ق.
۱۲. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، لبنان: دارإحياء التراث العربي، ۱۹۸۱م.
۱۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، **المغني**، قاهره: مكتبة القاهرة، ۱۹۶۸ق.
۱۴. ثعالبي، عبدالرحمن بن محمد، **الجواهر الحسان في تفسير القرآن**، بيروت: دارإحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۵. ديار بكری، حسين بن محمد، **تاريخ الخميس في أحوال أنفس النفيس**، بيروت: دارصادر، بی تا.
۱۶. سبحانی، جعفر، **بحوث في الملل و النحل**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۷ق.
۱۷. سجستانی، عبدالله بن سليمان، **سنن أبي داود**، بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۱۸. طبراني، سليمان بن احمد، **المعجم الكبير**، تحقيق: حمدی بن عبدالمجيد السلفی، قاهره: مكتبة ابن تيمية، چاپ دوم، بی تا.
۱۹. غيتابی حنفی، ابو محمد، **البنایة شرح الهدایة**، لبنان: بيروت، ۱۴۲۰ق.
۲۰. فاسی، شهاب الدین، **شرح زروق على متن الرسالة للقيروانی**، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۷ق.

٢١. قرطبي، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، رياض: دار عالم الكتب، ١٤٢٣ق.
٢٢. قضاى عزامى، سلامة، **فرقان القرآن بين صفات الخالق وصفات الأكوان**، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
٢٣. مجلسى، محمداقر بن محمدتقى، **زاد المعاد و مفتاح الجنان**، بيروت: بى نا، ١٤٢٣ق.
٢٤. النووى، يحيى بن شرف، **روضة الطالبين وعمدة المفتين**، تحقيق: زهير الشاويش، بيروت- دمشق - عمران: المكتب الإسلامى.